

قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی

ماده ۱- هر کس به موجب حکم دادگاه به دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند:

✓ هرگاه محکوم به عین معین باشد آن مال اخذ و به محکوم له تسلیم می شود

✓ و در صورتی که رد عین ممکن نباشد یا محکوم به عین معین نباشد، اموال محکوم علیه با

رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف

و از محل آن حسب مورد محکوم به یا مثل یا قیمت آن استیفاء می شود.

ماده ۲- مرجع اجراءکننده رأی، اعم از قسمت اجرای دادگاه صادرکننده اجرائیه یا مجری نیابت، مکلف است

به تقاضای محکوم له از طرق پیش بینی شده در این قانون و نیز به هر نحو دیگر که قانوناً ممکن باشد، نسبت به

شناسایی اموال محکوم علیه و توقیف آن به میزان محکوم به اقدام کند.

تبصره ۱- در موردی که محکوم به عین معین بوده و محکوم له شناسایی و تحویل آن را تقاضا کرده باشد نیز

مرجع اجراءکننده رأی مکلف به شناسایی و توقیف آن مال است.

ماده ۳-

← اگر استیفاء محکوم به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا

زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می شود.

← چنانچه محکوم علیه تا **سی روز پس از ابلاغ اجرائیه**، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش

را اقامه کرده باشد **حبس نمی شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.**

تبصره ۱-

← چنانچه محکوم علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای

اعسار خود را اقامه کند:

✓ هرگاه محکوم له آزادی وی را بدون اخذ تأمین بپذیرد یا محکوم علیه به تشخیص دادگاه

کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم به ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا

کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم علیه خودداری و در صورت حبس، او

را آزاد می کند.

← در صورت رد دعوای اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه گذار ابلاغ می شود که ظرف **مهلت**

بسیست روز پس از ابلاغ واقعی نسبت به تسلیم محکوم علیه اقدام کند.

← در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور **دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم**

تحت نظر آن اجراء می شود نسبت به استیفاء محکوم به و هزینه های اجرائی از محل وثیقه یا

وجه الکفاله اقدام می شود. در این مورد دستور دادگاه ظرف **مهلت ده روز** پس از ابلاغ واقعی قابل

اعتراض در **دادگاه تجدیدنظر است.**

← نحوه صدور قرارهای تأمینی مزبور، مقررات اعتراض نسبت به دستور دادستان و سایر مقررات مربوط به این دستورها **تابع قانون آیین دادرسی کیفری** است.

تبصره ۲- مقررات راجع به تعویق و موانع اجرای مجازات حبس در خصوص کسانی که به استناد این ماده حبس می‌شوند نیز مجری است.

ماده ۴-

← چنانچه به موجب ماده (۳) این قانون محکوم علیه حبس شده یا مستحق حبس باشد، **هرگاه مالی معرفی کند و یا با رعایت مستثنیات دین مالی از او کشف شود** به نحوی که طبق نظر کارشناس رسمی مال مزبور تکافوی محکوم به و هزینه‌های اجرائی را نماید، حبس نخواهد شد و اگر در حبس باشد آزاد می‌گردد.

← در این صورت مال معرفی یا کشف شده را مرجع اجراءکننده رأی توقیف می‌کند و محکوم به از محل آن استیفاء می‌شود.

ماده ۶- معسر کسی است که:

✓ به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد.

تبصره ۵-

← عدم قابلیت دسترسی به مال در حکم نداشتن مال است.

← اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال برعهده **مدیون** است.

ماده ۷- در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد:

✓ اثبات افسار برعهده اوست مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است

✓ در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل

نکرده باشد هرگاه خواننده دعوای افسار نتواند ملائت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا

ملائت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد **ادعای افسار با سوگند مدیون مطابق**

تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.

ماده ۸ - مدعی اعسار باید صورت کلیه اموال خود شامل تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که وی به هر عنوان نزد بانکها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور و نیز کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یکسال قبل از طرح دعوای اعسار به بعد را ضمیمه دادخواست اعسار خود کند. **در مواردی که بار اثبات اعسار برعهده مدیون است و نیز در مواردی که سابقه ملاکت او اثبات شده باشد هرگاه مدیون بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند باید شهادتنامه کتبی حداقل دو شاهد را به مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند به دادخواست اعسار خود ضمیمه نماید.** شهادتنامه مذکور باید علاوه بر هویت و اقامتگاه شاهد، متضمن منشأ اطلاعات و موارد مندرج در ماده (۹) این قانون باشد.

ماده ۱۰ - پس از ثبت دادخواست اعسار دادگاه مکلف است فوراً با استعلام از مراجع ذی ربط و به هر نحو دیگر که ممکن باشد نسبت به بررسی وضعیت مالی محکوم علیه جهت روشن شدن اعسار یا ایسار او اقدام کند.

ماده ۱۲ - اگر دعوای اعسار رد شود:

✓ دادگاه در ضمن حکم به رد دعوی، مدعی اعسار را به پرداخت خسارات وارد شده بر خواننده دعوای اعسار مشروط به درخواست وی محکوم می کند.

ماده ۱۳ - دعوای اعسار در مورد محکوم به :

- ✓ در دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی
- ✓ یا دادگاه صادر کننده اجرائیه
- ✓ و به طرفیت محکوم له اقامه می شود.

ماده ۱۴ -

- ✓ دعوای اعسار غیر مالی است.
- ✓ و در مرحله بدوی و تجدیدنظر خارج از نوبت رسیدگی می شود.

ماده ۱۵ -

- ← دادخواست اعسار از **تجار و اشخاص حقوقی** پذیرفته نمی شود.
- ← این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.

تبصره ۵ -

◀ اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود:

✓ دادگاه بدون اخطار به خواهان، **قرار رد دادخواست** وی را صادر می‌کند.

ماده ۱۶ - هرگاه محکوم‌علیه در صورت اموال خود موضوع مواد (۳) و (۸) این قانون، به منظور فرار از اجرای حکم از اعلام کامل اموال خود مطابق مقررات این قانون خودداری کند یا پس از صدور حکم اعسار معلوم شود برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده‌است:

✓ دادگاه ضمن حکم به رفع اثر از حکم اعسار سابق محکوم‌علیه را به **حبس**

تجزیری درجه هفت محکوم خواهد کرد.

ماده ۱۷ - دادگاه رسیدگی کننده به اعسار ضمن صدور حکم اعسار، شخصی را که با هدف فرار از پرداخت دین مرتکب تقصیر شده است تا موجب اعسار وی گردد با توجه به میزان بدهی، نوع تقصیر، تعدد و تکرار آن به مدت شش ماه تا دو سال به یک یا چند مورد از محرومیت‌های زیر محکوم می‌کند:

۱- ممنوعیت خروج از کشور

۲- ممنوعیت تأسیس شرکت تجاری

۳- ممنوعیت عضویت در هیأت‌مدیره شرکتهای تجاری

۴- ممنوعیت تصدی مدیرعاملی در شرکتهای تجاری

۵ - ممنوعیت دریافت اعتبار و هرگونه تسهیلات به هر عنوان از بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری عمومی و دولتی به جز وامهای ضروری

۶ - ممنوعیت دریافت دسته‌چک

ماده ۲۱ - انتقال مال به دیگری به هر نحو به وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد:

✓ موجب حبس تجزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف

محکوم‌به یا هر دو مجازات می‌شود

✓ و در صورتی که منتقل‌آلیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد در حکم شریک

جرم است.

✓ در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال

انتقال‌گیرنده به عنوان جریمه اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفاء خواهد شد.

ماده ۲۲- کلیه محکومیت‌های مالی از جمله دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال و امثال آنها جز محکومیت به پرداخت جزای نقدی، مشمول این قانون خواهند بود.

ماده ۲۳- مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له قرار ممنوع‌الخروج بودن محکوم‌علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا ثبوت اعسار محکوم‌علیه یا جلب رضایت محکوم‌له یا سپردن تأمین مناسب یا تحقق کفالت مطابق قانون مدنی به قوت خود باقی است.

تبصره - درخصوص سفر واجب که وجوب آن از قبل ثابت شده باشد و سفرهای درمانی ضروری، دادگاه موقتاً به محکوم‌علیه اجازه خروج از کشور را می‌دهد.

ماده ۲۴- مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

- الف - منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم‌علیه در حالت اعسار او باشد.
- ب - اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.
- ج - آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.
- د - کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها
- هـ - وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است.
- و- تلفن مورد نیاز مدیون
- ز- مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می‌شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره‌بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.
- تبصره ۱-** چنانچه منزل مسکونی محکوم‌علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد و مشارالیه حاضر به فروش منزل مسکونی خود تحت نظارت مرجع اجراءکننده رأی نباشد به تقاضای محکوم‌له به وسیله مرجع اجراءکننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته و مازاد بر قیمت منزل مناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم‌علیه خواهد شد مگر اینکه استیفای محکوم‌به به طریق سهل تری مانند استیفاء از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی محکوم‌علیه یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان‌پذیر باشد که در این صورت محکوم‌به از طرق مذکور استیفاء خواهد شد.
- تبصره ۲-** چنانچه به حکم قانون مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل فرار گرفتن در طرحهای عمرانی تبدیل به وجه گردد، یا در اثر از بین رفتن، عوضی دریافت شده باشد، وصول محکوم‌به از آن امکان‌پذیر است مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را دارد.
- ماده ۲۵-** چنانچه منشأ دین، قرض یا در اختیار گرفتن اموالی از دیگران به موجب هر قرارداد دیگری باشد و محکوم‌علیه از بدو امر قصد عدم تأدیه دین یا تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین به‌منظور فرار از تأدیه را داشته باشد، هر مالی که در عوض اموال مذکور خریداری کرده یا به موجب سایر عقود به ملکیت خود درآورد به‌عنوان جریمه اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفاء و مابقی به وی مسترد خواهد شد.

ماده ۲۶- احکام مندرج در این قانون جز احکام راجع به حبس محکوم علیه، اعسار و مستثنیات دین حسب مورد در مواردی که محکوم علیه شخص حقوقی باشد نیز مجری است و نسبت به مدیران و مسؤولان متخلف اشخاص حقوقی مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می شود.

ماده ۲۷- مقررات این قانون در مورد گزارش های اصلاحی مراجع قضائی و آرای مدنی سایر مراجعی که به موجب قانون، اجرای آنها بر عهده اجرای احکام مدنی دادگستری است و همچنین آرای مدنی تعزیرات حکومتی نیز مجری است.

تبصره - محکومیت های کیفری سازمان تعزیرات حکومتی تابع مقررات حاکم بر اجرای احکام کیفری دادگاهها است.

قانون شوراهای حل اختلاف

مبحث اول: مقررات عمومی

ماده ۱: به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار شورا نامیده می شود، تحت نظارت قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می گردد.

تبصره - تعیین محدود فعالیت جغرافیایی شورا در هر حوزه قضایی به عهده **رئیس همان حوزه قضایی** می باشد.

ماده ۲: **رئیس کل دادگستری استان** می تواند برای رسیدگی به امور خاص به ترتیب مقرر در این قانون شوراهای تخصصی تشکیل دهد.

مبحث دوم: ترکیب اعضاء و چگونگی انتخاب

ماده ۳:

← هر شورا دارای **سه نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل** است
← و می‌تواند برای انجام وظایف خود دارای یک دفتر باشد که مسؤؤل آن توسط رئیس شورا پیشنهاد و ابلاغ آن از سوی رئیس کل دادگستری استان یا معاون ذی‌ربط وی صادر می‌شود.

ماده ۴: در هر حوزه قضایی **یک یا چند نفر قاضی دادگستری** که **قاضی شورا** نامیده می‌شوند مطابق مقررات این قانون انجام وظیفه می‌نمایند. قاضی شورا می‌تواند هم‌زمان عهده‌دار امور چند شورا باشد.

ماده ۵: قاضی شورا با ابلاغ رئیس قوه قضائیه از میان قضات شاغل منصوب خواهد شد و احکام انتصاب سایر اعضاء شورا پس از احراز شرایط توسط رئیس قوه قضائیه و یا شخصی که توسط ایشان تعیین می‌گردد، صادر می‌شود.

مبحث سوم: شرایط عضویت

ماده ۶: اعضاء شورا باید متدین به دین مبین اسلام بوده و دارای شرایط زیر باشند:

- الف) تابعیت جمهوری اسلامی ایران
 - ب) اعتقاد و التزام عملی به قانون اسلامی جمهوری اسلامی ایران و ولایت مطلقه فقیه.
 - ج) حسن شهرت به امانت و دیانت و صحت عمل
 - د) عدم اعتیاد به مواد مخدر یا روان گردان یا سکر آور.
 - ه) دارا بودن حداقل ۳۵ سال تمام
 - و) دارا بودن کارت پایان خدمت وظیفه عمومی یا معافیت از خدمت.
 - ز) دارا بودن مدرک کارشناسی جهت اعضاء شوراهاى حل اختلاف شهر.
 - ح) متأهل بودن.
 - ط) سابقه سکونت در محل شورا حداقل به مدت شش ماه و تداوم سکونت پس از عضویت.
 - ی) نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی.
- تبصره ۱-** برای عضویت در شورا دارندگان مدرک دانشگاهی یا حوزوی در رشته‌های حقوقی قضایی یا الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در اولویت هستند.
- تبصره ۲-** برای عضویت در شوراهای مستقر در روستا، **داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن الزامی است.**
- تبصره ۳-** رئیس قوه قضائیه می‌تواند برای صلح و سازش در دعاوی احوال شخصیه اقلیت‌های دینی موضوع اصل سیزدهم (۱۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران **شورای حل اختلاف خاص** تشکیل دهد.
- اعضاء این شورا باید متدین به دین خود باشند.

ماده ۷: قضات (به استثناء قضات شورا)، کارکنان دادگستری، وکلاء و مشاوران حقوقی و پرسنل نیروی انتظامی و اطلاعاتی تا زمانی که در سمتهای شغلی خود هستند حق عضویت در شورا را ندارند.

نمونه تست: کدامیک از افراد زیر حق عضویت در شوراهای حل اختلاف را دارا نمی باشند:

۱. کارکنان دادگستری
۲. وکلاء و مشاوران حقوقی
۳. پرسنل نیروی انتظامی و اطلاعاتی
۴. همه موارد.

گزینه ۴ صحیح است

مبحث چهارم: صلاحیت شورا

ماده ۸: در موارد زیر شورا با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می نماید:

الف) کلیه امور مدنی و حقوقی.

ب) کلیه جرایم قابل گذشت.

ج) جنبه خصوصی جرایم غیرقابل گذشت.

تبصره - در صورتی که رسیدگی شورا با درخواست یکی از طرفین صورت پذیرد و طرف دیگر تا پایان جلسه اول عدم تمایل خود را برای رسیدگی در شورا اعلام نماید **شورا درخواست را بایگانی و طرفین را به مرجع صالح راهنمایی می نماید.**

ماده ۹: شورا در موارد زیر رسیدگی و مبادرت به صدور رای می نماید:

الف) در جرایم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی و امور خلافی از قبیل تخلفات راهنمایی و رانندگی

که مجازات نقدی قانونی آن حداکثر و مجموعاً تا سی میلیون (۳۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و یا سه ماه حبس باشد.

ب) تأمین دلیل

تبصره ۵ - شورا مجاز به صدور حکم حبس نمی باشد.

نمونه تست : در خواست تامین دلایل و امارت در صلاحیت

۱. دادگاه است، در هر حال
 ۲. دادگاه است البته اگر ارزش موضوع بیش از پنجاه میلیون ریال باشد.
 ۳. شورای حل اختلاف است اگر در محل، دادگاه عمومی وجود نداشته باشد.
 ۴. شورای حل اختلاف است حتی اگر در محل، دادگاه عمومی وجود داشته باشد.
- گزینه ۴ صحیح است.

ماده ۱۰: دعاوی زیر قابلیت طرح در شورا را حتی با توافق طرفین ندارد.

- الف) اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، فسخ نکاح، رجوع، نسب.
- ب) اختلاف در اصل وقفیت، وصیت، تولیت.
- ج) دعاوی راجع به حجر و ورشستگی.
- د) دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی.
- ه) اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قضایی غیردادگستری می باشد.

ماده ۱۱: قاضی شورا در موارد زیر با مشورت اعضاء شورای حل اختلاف رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می نماید.

- الف) دعاوی مالی در روستا تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و در شهر تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال.
- ب) کلیه دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه.
- ج) صدور گواهی ضرورت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن.
- د) ادعای اعسار از پرداخت محکوم به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.

ماده ۱۲: در کلیه اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی دادگاه رسیدگی کننده می تواند :

- ✓ با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش **فقط یک بار** برای مدت **حداکثر تا دو ماه** موضوع را به شورای حل اختلاف ارجاع نماید.

ماده ۱۴: شورا باید اقدامات لازم را برای حفظ اموال صغیر، مجنون، شخص غیررشید که فاقد ولی یا قیم باشد و همچنین غایب مفقودالاثار، ماترک متوفای بلاوارث و اموال مجهول المالک به عمل آورد و بلافاصله مراتب را به مراجع صالح اعلام کند.

شورا حق دخل و تصرف در هیچ یک از اموال مذکور را ندارد.

ماده ۱۵: در صورت اختلاف در صلاحیت محلی شوراها به ترتیب زیر اقدام می‌شود:

الف) در مورد شوراهای واقع در یک حوزه قضایی، **حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی همان حوزه است.**

ب) در مورد شوراهای واقع در حوزه‌های قضایی یک شهرستان یا استان، **حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضایی شهرستان مرکز استان است.**

ج) در مورد شوراهای واقع در دو استان، **حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استانی است که ابتدائاً به صلاحیت شورای واقع در آن استان اظهار نظر شده است.**

ماده ۱۶:

⇐ در صورت بروز اختلاف در صلاحیت شورا با سایر مراجع قضایی غیردادگستری در یک حوزه قضایی:

✓ **حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضایی مربوط است**

⇐ **و در حوزه‌های قضایی مختلف یک استان:**

✓ **حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز همان استان است.**

⇐ در صورت تحقق اختلاف شورا با مراجع قضایی واقع در حوزه دو استان:

✓ **به ترتیب مقرر در بند «ج» ماده (۱۵) این قانون عمل خواهد شد.**

ماده ۱۷: در صورت بروز اختلاف در صلاحیت بین شورا و مرجع قضایی:

✓ **نظر مرجع قضایی لازم‌الاتباع است.**

مبحث پنجم: ترتیب رسیدگی در شورا

ماده ۱۸: رسیدگی شورا:

✓ **با درخواست کتبی یا شفاهی به عمل می‌آید.**

✓ **درخواست شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء خواهان یا متقاضی می‌رسد.**

ماده ۲۰: رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد تابع مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری است.

تبصره ۱- اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است.

تبصره ۲- مقررات ناظر به وکالت، صدور رأی، واخواهی، تجدیدنظر و هزینه دادرسی، از حکم مقرر در ماده فوق مستثنی و تابع این قانون است.

ماده ۲۱: رسیدگی شورا تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

تبصره ۱: منظور از تشریفات، رسیدگی در این ماده مقررات ناظر به شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ، تعیین اوقات رسیدگی، جلسه دادرسی و مانند آن است.

تبصره ۲: چنانچه خوانده با دعوت شورا در جلسه رسیدگی حاضر نشود و یا لایحه‌ای ارسال نکند و این دعوت مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به ابلاغ نباشد، شورا مکلف است او را با ارسال اخطاریه دعوت کند.

ماده ۲۲: در مواردی که دعوی طاری یا مرتبط با دعوی اصلی از صلاحیت ذاتی شورا خارج باشد:

✓ رسیدگی به هر دو دعوی در مرجع قضایی صالح به عمل می‌آید.

نمونه تست: چنانچه در شورای حل اختلاف، دعوی متقابل اقامه شود که از صلاحیت این شورا خارج باشد، کدام مورد صحیح است؟

۱. رسیدگی به هر دو دعوی اصلی و متقابل، در صلاحیت مرجع قضایی صالح است.
۲. شورای حل اختلاف به دعوی اصلی رسیدگی می‌نماید و دعوی متقابل را به مرجع قضایی صالح می‌فرستد.
۳. شورای حل اختلاف هر دو دعوی را به دادگاه تجدید نظر استان می‌فرستد تا مرجع صالح را تعیین نماید.
۴. رسیدگی به هر دو دعوی اصلی و متقابل، در صلاحیت شورای حل اختلاف است.

گزینه ۱ صحیح است

ماده ۲۳: شورا علاوه بر رسیدگی به دلایل طرفین می‌تواند تحقیق محلی، معاینه محل، تأمین دلیل را نیز با ارجاع رئیس شورا توسط یکی از اعضاء به عمل آورد.

ماده ۲۴: رسیدگی شورا در امور مدنی مستلزم پرداخت سی هزار (۳۰.۰۰۰) ریال و در امور کیفری پنج هزار (۵۰۰۰) ریال به عنوان هزینه دادرسی است.

درآمد حاصل از هزینه دادرسی و موارد دیگر به خزانه واریز و صددرصد (۱۰۰٪) آن طبق بودجه سالانه به شوراهای حل اختلاف اختصاص می‌یابد تا در جهت تأمین هزینه‌های شورا صرف شود.

مبحث ششم – اتخاذ تصمیم و صدور رأی

ماده ۲۵: در صورت حصول سازش میان طرفین، چنانچه موضوع در صلاحیت شورا باشد:

- ✓ گزارش اصلاحی صادر و پس از تأیید قاضی شورا به طرفین ابلاغ می‌شود.
- ✓ در غیر اینصورت موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده است در صورت مجلس منعکس و مراتب به مرجع قضایی صالح اعلام می‌شود.

ماده ۲۷: طرفین می‌توانند شخصاً در شورا حضور یافته یا از وکیل استفاده نمایند.

ماده ۲۸: رأی صادره از سوی قاضی شورا:

- ✓ **حضوری است** مگر اینکه محکوم علیه یا وکیل او در هیچ یک از جلسات رسیدگی با عذر موجه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اخطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد.

ماده ۲۹: محکوم علیه غایب حق دارد به رای غیابی:

- ✓ **مهلته بیست روز** از تاریخ ابلاغ واقعی، اعتراض نماید این اعتراض واخواهی نامیده می‌شود و قابل رسیدگی است.

ماده ۳۰: گزارش اصلاحی شورا **قابل اعتراض نمی‌باشد و قطعی است.**

ماده ۳۱:

◀ کلیه آراء صادره موضوع مواد (۹) و (۱۱) این قانون **طرف مدت بیست روز** از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی می‌باشد

◀ مرجع تجدیدنظر از آراء شورا، **قاضی شورا** و مرجع تجدیدنظر از آراء قاضی شورا **دادگاه عمومی همان حوزه قضایی** می‌باشد.

◀ چنانچه مرجع تجدیدنظر آراء صادره را نقض نماید راساً مبادرت به صدور رای می‌نماید.

ماده ۳۲: هرگاه در تنظیم یا نوشتن رای سهو قلم رخ بدهد مانند از قلم افتادن کلمه‌ای یا اضافه شدن آن و یا اشتباه در محاسبه صورت گرفته باشد :

- ✓ تا وقتی که نسبت به آراء مذکور اعتراض نشده است، قاضی شورا با درخواست ذی‌نفع رأی را تصحیح می‌کند و رای تصحیح شده به طرفین ابلاغ خواهد شد.
- ✓ تسلیم رونوشت رأی اصلی بدون رأی تصحیح شده ممنوع است.

ماده ۳۳: اجراء آراء قطعی در امور مدنی به درخواست ذی‌نفع و با دستور قاضی شورا پس از صدور برگه اجرائیه مطابق مقررات مربوط به اجراء احکام دادگاهها:

✓ **توسط واحد اجرای احکام دادگستری محل به عمل می‌آید.**

ماده ۳۴: چنانچه محکوم علیه، محکوم به را پرداخت نکند و اموالی از وی به دست نیابد با تقاضای ذی‌نفع و دستور قاضی مراتب جهت اعمال قانون نحوه اجراء محکومیت‌های مالی به اجراء احکام دادگستری اعلام می‌شود.

مبحث هفتم – سایر مقررات

ماده ۳۶: در صورت فوت یا استعفاء یا عزل اعضاء شورا :

- ✓ عضو علی‌البدل با دعوت رئیس حوزه قضایی جایگزین عضو مذکور می‌شود.

ماده ۳۷: در غیاب عضو شورا:

- ✓ با دعوت رئیس شورا عضو علی‌البدل عهده‌دار وظیفه وی خواهد شد.

ماده ۳۸: چنانچه اعضاء شورا در انجام وظایف قانونی خود مرتکب تخلف شوند و یا حضور و مشارکت مناسب در جلسات شورا نداشته باشند یا شرایط عضویت در شورا را از دست بدهند

✓ رئیس حوزه قضایی مراتب را مستنداً جهت رسیدگی به **هیأت تخلفات اعضاء شورا** اعلام می‌کند.

ماده ۳۹: هیأت رسیدگی کننده به تخلفات:

✓ مرکب از **نماینده‌ای از سوی دادسرای انتظامی قضات، رئیس شورای حل اختلاف استان و مسؤل حفاظت و اطلاعات دادگستری** استان خواهد بود.

ماده ۴۰: اعضاء هیأت رسیدگی کننده:

✓ با ابلاغ رئیس قوه قضائیه برای **مدت سه سال** منصوب می‌شوند
✓ و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده ۴۱: چنانچه هیأت رسیدگی کننده پس از دعوت از عضو شورا و شنیدن اظهارات و دفاعیات وی فقدان یکی از شرایط عضویت یا غیبت غیرمجاز او را احراز نماید:
✓ حکم به عزل وی صادر می‌کند، این حکم قطعی است.

ماده ۴۲: چنانچه قاضی شورا در انجام وظایف قانونی مربوط به شورا، مرتکب تخلف شود:

✓ مراتب توسط رئیس حوزه قضایی یا هیأت موضوع ماده (۴۰) این قانون به **دادسرا انتظامی قضات** اعلام می‌شود تا مطابق **مقررات مربوط به تخلفات و جرایم قضات** رسیدگی شود.

ماده ۴۳: چنانچه اعضاء شورا در مقابل دریافت وجه یا سند پرداخت وجه یا مال یا ارائه خدمت به نفع یکی از طرفین اظهار نظر کنند:

✓ به مجازات بزه موضوع ماده (۵۸۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵/۳/۲ محکوم خواهند شد.

ماده ۴۴: چنانچه اعضاء شورا در آزمون استخدام قضات، وکالت دادگستری، مشاور حقوقی یا کارشناس رسمی دادگستری پذیرفته شوند و حداقل سه سال سابقه همکاری با شورا داشته باشند و حسن سابقه آنان به تأیید رئیس کل شوراهای حل اختلاف استان برسد:

✓ مدت کارآموزی آنان **به نصف**، تقلیل خواهد یافت.

ماده ۴۶: چنانچه به اعضاء شورا در مقام انجام وظیفه و یا به مناسبت آن توهین شود:

✓ مرتکب به مجازات بزه موضوع ماده (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی مصوب

۱۳۷۵/۳/۲ محکوم خواهد شد.

ماده ۴۷: در مواردی که شورا به عنوان داور مورد توافق طرفین به دعاوی و اختلافات رسیدگی می کند:

✓ رعایت مقررات مربوط به داوری مطابق قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه عمومی و

انقلاب الزامی است.

قوانین روابط موجر و مستاجر سال های ۵۶ و ۷۶

قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۷۶

فصل اول - روابط موجر و مستاجر

ماده ۱- از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، اجاره کلیه اماکن اعم از مسکونی، تجاری، محل کسب و

پیشه، اماکن آموزشی، خوابگاههای دانشجویی و ساختمانهای دولتی و نظایر آن که با **قرار داد رسمی**

یا عادی منعقد می شود تابع مقررات : **موم**

✓ **قانون مدنی**

✓ **و مقررات مندرج در این قانون**

✓ **و شرایط مقرر بین موجر و مستاجر خواهد بود .**